

				بسمه تعالی			
				مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه		امتحانات پایان سال – خرداد ۱۳۹۱	
				معاونت آموزش		پایه : ۱۰	
				اداره ارزشیابی و امتحانات		موضوع : فلسفه	
				پاسخنامه مدارس شهرستان		تاریخ : ۹۱/۰۳/۳۰	
						ساعت : ۱۶	

نام کتاب: نه‌ایه الحکمة، از اول المرحلة الثامنة تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. مجعول علت و اثری که علت در معلول می‌گذارد، چیست؟ ب ۸/۱ متوسط ۱۵۶
 ا. ماهیت معلول ☐
 ب. وجود معلول ☒
 ج. موجود شدن ماهیت (الصيرورة) ☐
 د. امکان معلول ☐
۲. به نظر مصنف، حرکت و تغییر در حرکات عرضی و طولی به ترتیب به چه شکل است؟ ب ۹/۹ فنی ۲۱۱
 ا. خلع و خلع - لبس بعد از لبس ☐
 ب. خلع و لبس - لبس بعد از لبس ☒
 ج. لبس بعد از لبس - خلع و لبس ☐
 د. لبس بعد از لبس - خلع و خلع ☐
۳. محال بودن انطباع کبیر در صغیر، دلیل بر چیست؟ ا ۱۱/۱ متوسط ۲۳۸
 ا. تجرد صورت علمیه ☒
 ب. حضوری بودن علم انسانی به ذات خود ☐
 ج. اتحاد عالم با معلوم در ذهن ☐
 د. عدم اتحاد عالم با معلوم در خارج ☐
۴. عبارت «العلم بذی السبب لا يحصل الا من طریق العلم بسببه» درباره چیست؟ ا ۱۱/۱۳ فنی ۲۶۱-۲۶۲
 ا. توقف علم به معلول بر علم به علت ☒
 ب. اتحاد عالم و معلوم ☐
 ج. تلازم معلوم بالذات با معلوم بالعرض ☐
 د. توقف علم به علت بر علم به معلول ☐

سؤالات تشریحی:

۱. ا. عبارت «عدم العلة علة لعدم المعلول» به چه معناست؟ ب. موضع این حکم، علت تامه است یا علت ناقصه یا هر دو؟ ۸/۲ آسان ۱۵۸
 ا. یعنی با نبودن علت، معلول هم موجود نمی‌شود بلکه معدوم است خواه آن علت تامه باشد یا ناقصه ب. هردو.
۲. قاعده «لا مؤثر فی الوجود بحقیقة معنی الكلمة الا الله سبحانه» را با توجه به «أصالة الوجود» و «رابط بودن معلول نسبت به علت» شرح دهید. ۸/۸
 ۱۷۶
 وقتی که در علت و معلول وجود آنها را لحاظ می‌کنیم وجود معلول عین فقر و حاجت و ربط به علت است. بنا براین هیچ استقلالی ندارد و چون در سلسله وجود تنها وجودی که معلول نیست، حق تعالی است، تنها اوست که استقلال دارد و تمام ممکنات قائم به او هستند.
- * التغير إما تدريجي - وهو الحركة - وإما دفعي وهو يحتاج إلى «موضوع» يقبل التغير و «قوة» سابقة على حدوث التغير، والخروج من القوة إلى الفعل هي الحركة، فالتغير كيفما فرض لا يتم إلا بحركة. ۹/۴ ۲۰۲
 ۳. عبارت را توضیح دهید.
- تغییر یا تدریجی است و یا دفعی. تغییر تدریجی که همان حرکت است؛ اما تغییر دفعی چون محتاج به موضوعی است که قابل تغییر باشد و محتاج به قوه‌ای که سابق بر تغییر باشد، لذا تنها با حرکت محقق می‌شود؛ چون خروج از قوه به فعل، در هر صورت با حرکت تحقق می‌یابد.
- * إن المنفى من مرتبة وجود العلة هو المعلول بحده لا وجوده من حيث إنه وجود مأخوذ عنها، ولا مناص عن المغايرة بين المعلول بحده وبين العلة.
۴. آیا تقرّر عدم معلول در مرتبه علت با واجد بودن علت نسبت به همه کمالات معلول منافاتی دارد؟ چرا؟ ۱۰/۸ متوسط ۲۳۴

منافاتی ندارد؛ زیرا آن عدمی از معلول که در مرتبه علت قرار دارد همانا عدم معلول بحده (أی بحده المعلول) است؛ یعنی معلول با مرتبه و حد خاص خودش در مرتبه علت موجود نیست، و حد معلول چون در حقیقت امری عدمی است و از سنخ وجود نیست، منافاتی ندارد که علت، همه کمالات وجودی معلول خود را واجد باشد.

۵. أ. عبارت «الصورة العلمية سواء كانت حسية أو خيالية أو غيرهما، لا تأبي بالنظر الى نفسها ان تصدق على كثيرين» را شرح دهید. ب. صورت علمی چگونه جزئی می‌شود؟ ۱۱/۳ متوسط ۲۴۳

أ. صورت علمی خواه حسّی باشد، خواه خیالی و خواه عقلی، ابائی از صدق بر کثیرین ندارد؛ پس، از این جهت کلی است ب. و اما در علم حسّی از جهت اتصال ادوات حسّ به ماده معلوم خارجی، جزئی می‌شود، که صدق آن بر کثیرین ممتنع است و همچنین در علم خیالی، از آن جهت که متوقف بر سبق علم حسّی است، جزئی می‌شود.

۶. به نظر مصنف، آیا علم حضوری فقط شامل علم شخص به خودش می‌شود؟ چرا؟ ۱۱/۱۱ متوسط ۲۶۰
(مشائین قائلند که علم حضوری فقط اختصاص به علم شیء به خودش دارد ولی) اشراقیون قائلند که علاوه بر آن شامل علم علت به معلولش و علم معلول به علتش هم می‌شود، و قول حق همین است؛ زیرا وجود معلول نسبت به وجود علتش، وجود رابط و غیر مستقل است؛ پس معلول به تمام وجودش در نزد علتش حاضر است. و همچنین وجود علت در نزد معلول حاضر است؛ چون معلول قائم به علتش می‌باشد. پس در این دو مورد هم، علم حضوری است.

۷. با توجه به قاعده: «إنّ الواجب بالذات لا مشارک له فی شیء من المفاهیم من حیث المصداق»، چگونه مفاهیم انتزاعی وجود، هم بر واجب تعالی و هم بر غیر او مشترکاً حمل می‌شود؟ ۱۲/۷ ۲۸۲

این گونه مفاهیم نمی‌تواند از حیث مصداق مشترک بین واجب و ممکن باشد (زیرا معنای مشارکت، ترکیب از نفی و اثبات کمال و نقص به حسب وجود است در حالی که واجب مرکب نیست، به عبارتی، واجب الوجود در اعلی مراتب غیر متناهی است از این مفاهیم و مخلوط با هیچ نقصی نیست ولی غیر واجب الوجود این گونه نیست). اما اینکه این مفاهیم به نحو اشتراک معنوی بر واجب و ممکن حمل می‌شود، با صرف نظر از خصوصیت مصداق است؛ یعنی صرفاً از لحاظ مفهومی اشتراک دارند در حالی که از لحاظ مصداقی اشتراک ندارند.

* الصفات الفعلية صادقة عليه تعالى صدقاً حقیقیّاً لكن لا من حیث خصوصیات حدوثها وتأخرها عن الذات المتعالیة حتی یلزم التّغییر فیہ، بل من حیث ان لها أصلاً فی الذات ینبعث عنه کلّ کمال وخیر. ۲۸۸

۸. عبارت فوق را شرح دهید.

صفات فعلیه، متأخر از ذات واجب تعالی و زائد بر آن است و از مقام فعل انتزاع می‌شود و اما صدق آنها بر واجب تعالی صدق حقیقی است البته نه از حیث خصوصیات حدوث و تأخر آنها از ذات تا این که مستلزم تغیر در واجب تعالی باشد بلکه از این حیث که این صفات ریشه‌ای در ذات دارند که از آن هر کمال و خیری منبعث می‌شود.

۹. ارباب انواع یا مُثُل افلاطونی را تعریف کنید. ۱۲/۲۰ فنی ۳۱۷

ارباب انواع یا مثل افلاطونی عبارتند از سلسله عقول عرضیه که پس از سلسله عقول طولی قرار دارند و چون عرضی‌اند بین آنها علیت و معلولیت وجود ندارد و به اعتقاد افلاطون و بسیاری از حکما در مقابل هریک از ماهیات مادی، در عالم عقول فردی عقلی وجود دارد که مدبّر نوع است و ایسن همان مثل افلاطونی است.